

پنج عمل برای درک بهتر شب قدر

<?xml encoding="UTF-8">



پنج عمل برای درک بهتر شب قدر

از جمله اعمالی که برای رسیدن به درک شب قدر باید انجام دهیم تا بتوانیم بهره کامل از این شب ببریم، بدین شرح است :

1. توسل به ولایت ائمه هدی

با توجه به آیه شریفه که می فرماید :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ ای ایمان آورندگان ! از خدا پروا نموده و وسیله ای برای رسیدن به او بجویید.» (1)

(در لغت به آنچه که توسط آن به چیزی توصل و تقرب جویند، «وسیله» می گویند.)

در شب مبارك قدر وسیله ای مطمئن تر از ائمه هدی (علیهم السلام) برای انسان وجود ندارد، پس باید به ایشان توسل جست، مخصوصا به مولی الموحدين، علی بن ابی طالب (علیه السلام) که «لیالی قدر» مصادف با شهادت مظلومانه آن امام متقین است و نیز با تمسک به زیارت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) به درگاه حضرت احدیت به استغاثه پرداخت .

2. نماز

در این شب فرشتگانی که به زمین فرود می آیند، باید شاهد و ناظر رکوع و سود خالصانه و متواضعانه انسان باشند تا بدین وسیله، اشرفیت و خلیفه الهی او برای ایشان تفسیر گردد و رمز سجده ملائکه را در برابر آدم دریابند؛ لذا در ردیف اعمال و وظایف لیالی قدر، نماز که سرلوحه همه عبادات است، به طرق مختلف وارد شده است :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»

ای ایمان آورندگان! از خدا پروا نموده و وسیله ای برای رسیدن به او بجوئید.

اولا : خواندن نمازهای قضا شده در گذشته - به خصوص نمازهای سال اخیر؛

ثانیا : خواندن نمازهای مستحبی برای کسب ثواب بیشتر، از جمله نمازهای ذیل :

الف) خواندن دو رکعت نماز با يك سلام، همچون نماز صبح، با این تفاوت که در هر رکعت پس از حمد، هفت مرتبه «سوره توحید» بخواند و بعد از سلام، هفتاد مرتبه «استغفر الله و اتوب الیه» (2) بگوید.

ب) خواندن صد رکعت نماز، هم چون نماز صبح به صورت دو رکعتی و نیز مجاز است به جای این صد رکعت، شش روز از نمازهای قضا شده خود را به جا آورد، به گونه ای که از ظهر روز اول شروع کرده و در عشاى روز ششم ختم نماید.

3. قرآن بر سر گرفتن

بر سر گرفتن قرآن با آن حالات خضوع و خشوع، نشانه تسلیم در برابر دستورهای حیات بخش و سعادت آفرین آن است و بیانگر این که مسلمان، کسی است که قرآن را دائما در اندیشه و فکر خویش دارد و دستورها و احکام آن را در عمل پیاده می کند.

استاد حسن زاده آملی - دام ظلّه الوارف - در نکته 490 کتاب هزار و يك نکته خود گوید :

«در لیالی قدر، قرآن به دل کن، نه فقط قرآن به سر، که اولی جوهر ذات تو گردد و دومی خارج از گوهر تو است.»
«اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیہ و علی آبائہ فی هذه الساعه و فی کل الساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا، حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا»

4. تجدید عهد با امام زمان (عج) و خواندن دعای فرج

از ائمه معصومین نقل است که در شب بیست و سوم ماه رمضان و در طول آن ماه مبارک، در هر حالی (نشسته

و ایستاده) و هر زمانی پس از ذکر و یاد خدای تعالی و درود فرستادن بر محمد و آل او (علیهم السلام) این دعا را بخوان :

«اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیہ و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل الساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا، حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.» (3)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون دهه آخر ماه رمضان فرا می رسید، در مسجد اعتکاف می نمود و برای حضرتش خیمه ای موبین می زدند و کمرش را برای عبادت می بست و بستر خویش را جمع می کرد «بارالها در این هنگام و برای همیشه ولی امرت، امام زمان حجه بن الحسن را - که درودهایت بر او و پدراناش باد - سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و نگهبان باش تا گیتی را به فرمان او آوری و تا دیر زمان بهره مندش گردانی.» و نیز دعای شریف افتتاح که به امر آن حضرت مستحب است تا در هر شب رمضان خوانده شود و دعاهای ماثور و غیر ماثور دیگر که در خصوص حضرتش وارد شده است، زیرا گفته اند :

«دعا به آن بزرگوار، نوعی از ادای حق ایشان است، که جزء بهترین اعمال می باشد و فواید بی شماری نیز برای خود ما هم دارد.»

اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان یعدل حجتین و عمرتین . (4) اجر اعتکاف نمودن در ده روز آخر ماه رمضان، مساوی با ثواب دو حج و دو عمره است

5. اعتکاف

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«إِعْتِکَافُ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ یَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ.» (4)

اجر اعتکاف نمودن در ده روز آخر ماه رمضان، مساوی با ثواب دو حج و دو عمره است .

منظور از اعتکاف، توقف نمودن و ساکن شدن در مسجد جامع به قصد قربت و عبادت به مدت سه روز یا بیشتر با رعایت شرایط مخصوص آن که دارای ثواب بسیار زیاد است و از جمله عبادات مستحب می باشد که بزرگان دین به انجام آن، اهتمام ورزیده اند.

در کتاب کافی از جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند :

«کان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) اذا دخل العشر الاواخر، اعتکف فی المسجد و ضربت له قبة من شعر، و شمر المئزر و طوی فراشه»؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون دهه آخر ماه رمضان فرا می رسید، در مسجد اعتکاف می نمود و برای حضرتش خیمه ای موبین می زدند و کمرش را برای عبادت می بست و بستر خویش را جمع می کرد.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است :

«کانت بدر فی شهر رمضان و لم یعتکف رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، فلما ان کان من قابل اعتکف عشرين عمرا لعمامه، و عسرا قضاء لما فاتته»؛

جنگ بدر در ماه رمضان اتفاق افتاد و (از این رو) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) موفق به اعتکاف

نشدند، لذا در سال آینده، بیست روز (ده روز به عنوان اعتکاف همان سال و ده روز دیگر را نیز به عنوان قضای اعتکاف سال گذشته) به اعتکاف پرداختند.

طبق آن چه در ارکان اسلام (ص 163) آمده است، پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همسران آن حضرت نیز چنین اعتکافی داشتند.

در تاریخ آمده است که علمای بزرگ شیعه نیز این سنت حسنه را در دهه آخر ماه رمضان انجام می داده اند. برای مطالعه بیشتر درباره اعتکاف به این منابع مراجعه فرمایید :

اللمعة الدمشقية، ج 2، کتاب الاعتکاف ؛ شرائع الاسلام، ج 1، ص 251؛ التهذيب، ج 4، ص 217؛ مستمسک العروة الوثقی، ج 8، ص 536، روضة المتقین، ج 3، ص 496، اعتکاف در اسلام به قلم نگارنده .

این بخش را به کلامی از مصلح مجاهد، شیخ محمد عبده، پایان می بریم :

شب قدر، شب عبادت و تضرع و تذکر و یادآوری نعمت های خدا و دین است، لکن متأسفانه بسیاری از مسلمانان در چنین ایام و لیالی و موقعیت های مناسبی درباره مسائل و موضوعاتی سخن می گویند که مورد رضا و عنایت خداوند نیست ؛ به آیاتی از کلام الله گوش می دهند، اما در مفاهیم آنها نمی نگرند و از معانی بلند آنها عبرت نمی گیرند... فقط به صدا و نغمه زیبای قاری قرآن توجه دارند، در این شب در اوهام و خیالاتی غوطه ور می شوند که شایسته عقول کودکان نیست تا چه رسد به عقل های اشخاص رشید و بالغ .

انشاءالله همگی بتوانیم استفاده تمام را این شب ببریم و یکدیگر را از دعای خیر فراموش نکنیم.

پی نوشت ها :

1. مائده (5)، آیه 35.

2. مسید ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ص 186.

3. حسین نوری، نجم الثاقب، ص 510.

4. سید محمد حسین طباطبایی، سنن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص 299 و وسائل الشیعه، ج 7، ص 397.